

سنخ‌شناسی فضاهای ناامن شهری از نگاه زنان (مطالعه موردی: زنان ۴۵-۱۵ سال شهر جاسک)

محمد رضا حسینی^۱، نرگس خوش کلام^۲

چکیده

زنان نیمی از شهروندان هر جامعه و مشارکت اجتماعی آنان نقش بسزایی در توسعه جامعه دارد. در عین حال گاهی احساس ناامنی زنان در برخی فضاهای شهری، مانع از حضور اجتماعی آنان می‌گردد. بر همین اساس پژوهش کیفی حاضر با هدف بررسی فضاهای ناامن شهری از دیدگاه زنان صورت گرفته است که جامعه مورد مطالعه آن زنان ۴۵-۱۵ سال شهر جاسک بوده و تعداد ۲۲ نفر نمونه به روش هدفمند انتخاب شده‌اند. ابزارهای گردآوری داده عبارت بودند از: مصاحبه عمیق، مشاهده مشارکتی و نقشه شهر که به منظور علامت‌گذاری فضاهای امن و ناامن شهری توسط افراد مورد مطالعه استفاده شده است. در نهایت داده‌ها به صورت متن پیاده‌سازی شده و به روش تحلیل تماتیک، تحلیل شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فضاهای ناامن شهری از نظر زنان شامل دو مقوله اصلی می‌باشد: (۱) فضای ناامن اجتماعی (فضای خلوت، فضای جرم‌خیز، فضای بزهکارانه، فضای بیگانه اجتماعی، فضای مردانه، فضای غالباً موتورسوار و فضای ناامن برساخته اجتماعی) و (۲) فضای ناامن کالبدی (فضای تودرتو، فضای تاریک، فضای

۱- استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، (نویسنده مسئول)

m.hosseini@abru.ac.ir

۲- کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره) narges_khoshcalam@yahoo.com

کاربری مردانه، فضای تک کاربری، فضای حاشیه شهر، فضای غالباً مسکونی، فضای فاقد دسترسی به حمل و نقل عمومی، فضای بیگانه کالبدی، فضای فرسوده و فضای آلوده). بنابراین به منظور تشویق زنان برای حضور در فضاهای عمومی شهری نه تنها برقراری «امنیت» در این فضاها اهمیت دارد بلکه آنچه مهم‌تر است، ایجاد «احساس امنیت» در زنان می‌باشد چرا که صرفاً برقراری امنیت، موجب ایجاد احساس امنیت در زنان نمی‌گردد بلکه مستلزم توجه موازی به امنیت اجتماعی و امنیت کالبدی است.

کلید واژه‌ها: فضای ناامن شهری، زنان، تحلیل تماتیک، بندرجاسک.

بیان مسأله

نوربرگ شولتز^۱ شهر را مکانی برای تعامل اجتماعی و فضای شهری را صحنه سکونت جمعی می‌داند. (شولتز، ۱۳۸۴: ۷۸-۷۷، به نقل از پاکزاد، ۱۳۹۳: ۱۱۱) بنابراین از منظر جامعه‌شناسی شهری، مهیا بودن شرایط حضور همه گروه‌ها به ویژه زنان به عنوان نیمی از شهروندان، در فضاهای عمومی شهری امری انکارناپذیر است. یکی از مباحثی که همواره در این رابطه مطرح می‌گردد، بحث امنیت فضاهای عمومی شهری به ویژه برای گروه‌های آسیب‌پذیر مانند زنان و کودکان است. اکثر صاحب‌نظران بر آنند که «امنیت» مفهومی بیرونی و عینی^۲ است و «احساس امنیت» مفهومی درونی و ذهنی^۳. امنیت یعنی فقدان عوامل تهدیدکننده فرد و احساس امنیت به معنای عدم وجود احساس درونی ناامنی است. بنابراین احساس امنیت می‌تواند با امنیت واقعی تناسب داشته باشد یا تناسب نداشته باشد، یعنی در شرایطی که امنیت عینی وجود نداشته باشد، فرد احساس امنیت داشته باشد یا اینکه عوامل ایجادکننده امنیت واقعاً وجود داشته اما فرد احساس امنیت نداشته باشد. (احمدی و اسمعیلی، ۱۳۸۹: ۱۸۰) بر همین اساس در بحث امنیت باید به مقوله جنسیت توجه اساسی شود، چرا که بحث از امنیت با در نظر داشتن

^۱ Christian Norberg Schulz

^۲ Objective

^۳ Subjective

ساختارهای متفاوت مردانگی و زنانگی پرمایه خواهد بود. تجارب زنان از خشونت و نیازهای امنیتی آنان به طرز معناداری از نیازهای امنیتی مردان متفاوت است. جنسیت به عنوان یک بعد معنادار امنیت ملاحظه می‌شود و راهی را برای دیدگاهی نو از امنیت می‌گشاید و نشان می‌دهد که چگونه هویت، نیازهای امنیتی فردی و جمعی را شکل می‌دهد. (زنجان‌زاده، ۱۳۸۰: ۷) بنابراین می‌توان گفت یکی از آسیب‌پذیرترین قشرها در مقوله امنیت، زنان می‌باشند زیرا به دلیل ویژگی‌های روحی و جسمی خاصشان، نسبت به مردان احساس امنیت کمتری دارند. (رضایی، ۱۳۹۱: ۷۰-۶۹)

شهرها مکان‌های بالقوه و مستعد ایجاد ترس و آسیب‌پذیری هستند زیرا نظام‌های پیچیده و اجزای درونی بسیار مرتبط باهم دارند. (بوگلیارلو^۱، ۲۰۰۵: ۲۹۳-۲۸۷) عواملی که موجب تهدید یا کاهش و حذف امنیت در شهرها می‌گردند بی‌شمارند زیرا به دلیل ازدحام و وسعت، فضاهای عمومی شهری در تجاوز به فضای شخصی افراد و نقض امنیت آنها همواره آمار بالایی دارند. (تقوایی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۸-۱۹) متأسفانه زنان با وجود این که نیمی از شهروندان هر شهر را تشکیل می‌دهند به دلیل ساختار شهر، از حق طبیعی خود که احساس امنیت در شهر و در نتیجه مشارکت اجتماعی در آن است، برخوردار نیستند. (قاضی‌نژاد و شاکری، ۱۳۹۱: ۲۰۲-۱۸۲) فضاهای عمومی شهری عرصه‌هایی هستند که نابرابری جنسیتی در آن به چشم می‌خورد زیرا زنان و مردان فضاهای شهری را به شیوه متفاوتی تجربه می‌کنند. به عبارت دیگر زنان مانند مردان از فضاهای عمومی شهرها بهره‌مند نیستند چرا که شهرها محصول برنامه‌ریزی‌های شهری مردانه هستند و از ارزش‌ها و هنجارهای مردانه تبعیت می‌کنند. (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۶) بر همین اساس پژوهش حاضر با هدف سنخ‌شناسی فضاهای ناامن شهری از نگاه زنان انجام گرفته است تا بر اساس آن بتوان عوامل مختل‌کننده امنیت زنان در فضاهای عمومی شهری را شناسایی و تا جای ممکن حذف نمود و در نتیجه زنان نیز همچون مردان بتوانند از سهم خود از فضاهای عمومی شهری بهره ببرند.

^۱ Bugliarello

شهر بندری جاسک از شهرهای استان هرمزگان است که به دلیل موقعیت استراتژیک و بندری خود، قشرهای مذهبی، قومی و زبانی گوناگونی را در کنار شهروندان بومی این منطقه جای داده است. با توجه به اینکه زنان نیمی از شهروندان هر شهر را تشکیل می‌دهند و در حقیقت قسمت بزرگی از نیروی کار و فعال اجتماع به شمار می‌آیند، ایجاد شرایطی که زنان بتوانند در آن به راحتی فعالیت نموده و در آن احساس امنیت نمایند، ضروری است. بدین منظور در پژوهش حاضر با هدف «توصیف و تحلیل فضاهای ناامن شهری از نگاه زنان و درک این موضوع که فضای ناامن شهری از نظر زنان چگونه فضایی است؟»، به عنوان زیرمجموعه‌ای از مطالعات شهری، نگرش ذهنی زنان در مورد فضاهای ناامن شهری تحلیل و بررسی شده است چرا که هرگونه برنامه‌ریزی شهری و سیاست‌گذاری در این زمینه بدون مطالعه نگرش و درک زنان از این موضوع بی‌نتیجه خواهد ماند. بنابراین سؤال اصلی تحقیق حاضر این بوده است که از نظر زنان فضاهای ناامن شهری چگونه فضاهایی هستند و چه ویژگی‌هایی دارند که منجر به نداشتن احساس امنیت از سوی آنان می‌گردد؟

پیشینه تحقیق

الف) داخلی:

بمانیان و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که بین احساس امنیت درک شده از فضا و میزان رفت و آمد و استفاده از آن رابطه مستقیمی وجود دارد. همچنین در بررسی رابطه بین نوع کاربری و میزان احساس امنیت، کاربری‌های مسکونی پیرامون پارک شهر بالاترین میزان احساس امنیت را دارند. گلی (۱۳۹۰) در پژوهشی پیمایشی نشان داد که میان عوامل محیطی مانند کاربری اراضی، تنوع کاربری‌های پیرامون و ساعت‌های فعالیت آنها و نیز مجاورت‌های مکانی کاربری‌ها با افزایش حس امنیت زنان رابطه معناداری وجود دارد. نیازی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که بین متغیرهای اجتماعی و فرهنگی (مهارت‌های زندگی، سرمایه اجتماعی، هویت ملی، سرمایه فرهنگی و پایگاه اجتماعی اقتصادی) با متغیر احساس امنیت

اجتماعی زنان در مناطق شمال و جنوب شهر تهران رابطه معناداری وجود دارد. رهبری (۱۳۹۱) در پژوهشی کیفی به این نتیجه دست یافت که چهار عامل مهم در در نگرش و ادراک زنان از امنیت شهری مؤثر هستند که عبارتند از: ویژگی‌های فضای شهری، میانجی‌های انسانی، حافظه جمعی و چندپارگی زمانی. همچنین برای بیشتر زنان تأثیر میانجی انسانی (حامی فردی و حامی عام) به عنوان عامل تعدیل‌کننده احساس ناامنی تأثیرگذار است. گلی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که بیشترین رضایت زنان از نحوه طراحی پارک بانوان مربوط به متغیرهای طراحی مناسب فضای درونی پارک نسبت به اشرافیت ساختمان‌های مجاور، سرزندگی و شادابی و میزان احساس امنیت و آرامش روانی در پارک بوده‌است. رحیمی و پیربابایی (۱۳۹۲) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که علاوه بر وجود همبستگی معنادار بین عوامل سازماندهی و ادراکی، نقش سازمان فضایی، قوی‌تر و از میان شاخص‌های آن، وضوح فضا، و از میان شاخص‌های عوامل ادراکی-خوانایی، ویژگی‌های جداره خیابان، بیشترین نقش را در احساس امنیت عابرین دارند. محمدی و مرادی‌پاوک (۱۳۹۲) در پژوهشی پیمایشی به این نتیجه دست یافتند که بین شاخص‌های اجتماعی و کالبدی و میزان امنیت، رابطه مستقیمی وجود دارد، یعنی هرچه این شاخص‌ها در سطح بالاتری باشند، امنیت نیز افزایش می‌یابد. همچنین از نظر زنان، حضور پلیس و نیروی انتظامی، مهمترین عامل در ایجاد حس امنیت است. تازیکی (۱۳۹۳) در پژوهشی پیمایشی نشان داد که خصوصیات محیطی، تصور فرد از خود، اعتماد اجتماعی، تجارب قبلی، آگاهی‌های اجتماعی، محل سکونت، احساس کنترل، نظم اجتماعی، پایبندی اجتماعی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، رابطه معناداری با احساس زنان دارند و به ترتیب اشاره شده، بیشترین تأثیر را بر افزایش احساس امنیت زنان دارند. موسوی و خادمی (۱۳۹۴) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که متغیرهای احساس امنیت پلیس، محیط فیزیکی و روشنایی معابر تأثیر مثبت و مستقیم بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارند. گلی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان دادند که بین عوامل فرم فضا، اطلاعات محیطی

گمراه‌کننده، نور، آلودگی محیطی، میزان دسترسی به خدمات حمل و نقل عمومی، کیفیت فعالیت‌ها و کاربری زمین پیرامون پارک و همچنین متغیرهای زمینه‌ای سن، شغل و تحصیلات با احساس امنیت اجتماعی زنان رابطه وجود دارد. همچنین نور بالاترین و کاربری زمین‌های اطراف پارک کمترین تأثیر را بر احساس امنیت اجتماعی زنان دارد. صادقی و همکاران (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی کیفی به این نتیجه دست یافتند که سه گروه عوامل کالبدی، اجتماعی و کالبدی-اجتماعی به ویژه شاخص «آشنایی با محیط» بر میزان امنیت زنان در فضاهای شهری مؤثر بوده و در احساس امنیت زنان در فضاهای شهری از اهمیت بیشتری برخوردار است.

شریعتی مزینانی و فروغ‌زاده (۱۳۹۶) در تحقیقی پیمایشی نشان دادند که از نظر پاسخگویان، زیرگذرها و مسافربران شخصی ناامن‌ترین موقعیت‌ها بوده‌اند. پارک‌ها و محدوده اطراف محل زندگی هم با میانگین نزدیک به هم در رده بعدی قرار می‌گیرند و اتوبوس، پل‌های عابر پیاده و تاکسی در مقایسه با فضاهای عمومی دیگر، بیشتر امنیت دارند. حقیقت و میرابوالقاسمی بهابادی (۱۳۹۶) در تحقیقی پیمایشی در مورد کاهش احساس امنیت زنان در فضاهای شهری نشان دادند که در کشورهایی که ساختار فرهنگی و مذهبی عمیق‌تری دارند و طراحی شهرهای آنها مردم‌محور است، زنان در فضاهای عمومی شهری احساس عدم امنیت دارند. رحیمی و صبوری (۱۳۹۷) در تحقیقی کیفی نشان دادند که بیش‌ترین عوامل مؤثر بر احساس امنیت زنان ناشی از سه معیار کالبدی، فعالیتی و آسایش بصری و محیطی است. (ب) خارجی:

برندا و همکاران^۱ (۱۹۹۷) و فوآ و یئه^۲ (۱۹۹۸) در تحقیقاتی پیمایشی در سنگاپور نشان دادند که زنان در مکان‌هایی که برای جنبش و حرکت ظرفیت کمتری دارند بیشتر احساس ناامنی می‌کنند زیرا این مکان‌ها مستعد جرم هستند. همچنین با بزرگتر شدن فضا، افزایش حضور مردم و ایجاد الگوهای حرکتی توسط فضاهای خصوصی شده با

^۱ Brenda et al.

^۲ Phua & Yeoh

مردمی که در آن حضور دارند امنیت استفاده‌کنندگان از فضا افزایش خواهد یافت. باندز^۱ (۲۰۰۴) در کتاب «نظریه‌های اجتماعی شهر (شهر، خود و جامعه)» معتقد است نظام پدرسالارانه جوامع با شکل‌گیری شهر تقویت می‌شود، زیرا فضای جنسی شده، نابرابری قدرت زنان و مردان را تشدید می‌کند. محدودیت تحرک زنان در فضاهای عمومی شهر، سبب برساخت هویت آنها به معنای تحت سلطه بودن می‌شود. در نتیجه تجربه‌زیسته زنان از شهر با احساس ترس از دنیای مردانه‌ای که متعلق به آنان نیست همراه می‌گردد. مورن^۲ (۲۰۰۵) در کتابی با عنوان «نگرشی بر رویکرد زندگی روزمره» معتقد است که امنیت ذهنی جدا از میزان جرم، به وسیله عوامل زیادی از جمله طبیعت و خلق و خوی فردی، علایم محیطی، اعتماد سیاسی و رسانه‌ها تأثیر می‌پذیرد و افراد مختلف با شرایط محیطی گوناگون، درک متفاوتی از ناامنی و سطح تحمل دارند. مارتین^۳ (۲۰۰۶) در پژوهشی پیمایشی نشان داد که ادراک زنان از ناامنی در فضاهای عمومی شهری با فرآیند تعاملات اجتماعی و ساخت اجتماعی ناامنی رابطه معنادار مستقیمی دارد. دیاس و همکاران^۴ (۲۰۰۷) در پژوهشی پیمایشی نشان دادند که عوامل اجتماعی و فضایی با توجه به اثری که اجزای محیطی و شناخت فضایی محیط‌های باز شهری دارند بر کمبود امنیت و افزایش جرم تأثیرگذارند. اسریترن و همکاران^۵ (۲۰۱۴) و (۲۰۱۵) در دو تحقیق پیمایشی در رابطه با ترس ساکنین شهر کوالالمپور از جرم و قربانی شدن در پارک‌های شهری، نشان دادند که ویژگی‌هایی مانند جنسیت، پوشش گیاهی پارک، حضور تنها در پارک، نامنظم بودن چیدمان عناصر پارک، اطلاعات پیشین درباره جرایم رخ داده در پارک، تجربیات پیشین شخص و... بر میزان احساس امنیت شهروندان در این مکان‌ها مؤثرند.

همان‌طور که از مرور برخی از پژوهش‌های پیشین در رابطه با موضوع تحقیق

1. Bounds

2. Moran

3. Martin

4. Dias et al.

5. Sreetheran et al.

پیداست، تحقیقات بسیاری در داخل و خارج از کشور در زمینه عوامل مؤثر بر امنیت زنان در فضاهای شهری صورت گرفته است که عمدتاً به روش پیمایشی به بررسی این پدیده پرداخته‌اند. وجه تمایز تحقیق حاضر با مطالعات پیشین از لحاظ روشی می‌باشد؛ بدین صورت که در کنار روش پژوهش کیفی و مطالعه عمیق تجربه‌زیسته زنان از فضاهای شهری امن و ناامن، یک روش خلاقانه بر پایه روش کوین لینچ به منظور مطالعه فضاهای ناامن شهری استفاده شده که از تحلیل داده‌های تصویری برگرفته از تصاویر ذهنی زنان از فضای شهری، برخاسته است. از سوی دیگر پژوهش‌های انجام گرفته اکثراً در رابطه با عوامل مؤثر بر احساس ناامنی یا احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی انجام گرفته‌اند در حالی تحقیق حاضر به دنبال این بوده است که اساساً فضای ناامن از نگاه زنان چگونه فضایی است و قصد توصیف این فضا را از دیدگاه زنان داشته است. همچنین با توجه به بررسی‌های انجام شده در رابطه با منطقه مورد مطالعه یعنی شهر بندرجاسک، دریافتیم که تاکنون هیچ تحقیق جامعه‌شناختی در این منطقه صورت نگرفته است و تنها چندین پژوهش ژئوفیزیکی در رابطه با شرایط جغرافیایی خاص منطقه به ثبت رسیده است. فارغ از دلایل عدم انجام کارهای پژوهشی در این منطقه بر آن شدیم تا به عنوان اولین تحقیق جامعه‌شناختی در منطقه مذکور، بر جامعه زنان و بحث فضاهای ناامن شهری متمرکز شویم زیرا فشری بودند که عدم حضور مؤثر آنان در فضاهای عمومی شهری نمود بارزی در شهر جاسک داشت.

ادبیات نظری تحقیق

تعریف مفاهیم

فضای شهری: فضای شهری جزئی از یک شهر است که بعنوان عرصه عمومی، تجلی‌گاه فعالیت‌های شهری است (فتحی، ۱۳۹۱: ۶۰)، یعنی همان فضای زندگی روزمره شهروندان است (پاکزاد، ۱۳۹۷: ۶)

شکل شهر: مالر^۱ معتقد است عناصر «شکل شهر» مجموعه‌ای از ویژگی‌های کالبدی شهر (شکل هندسی، اندازه، مصالح) و محتوایی (کاربری‌ها و فعالیت‌ها) آن است که در واقع شکل شهر، یک وجود چندبعدی و همه‌شمول است که در نمود کالبدی خود، تبیین‌کننده مسایل انسانی و ویژگی‌های محیطی است. (مالر، ۱۹۹۸: ۱۳۷) کاتبرت و اندرسون^۲ نیز شکل شهر را آرایش کالبدی فعالیت‌ها، خانوارها و نهادها در فضای شهری می‌دانند. (کاتبرت و اندرسون، ۲۰۰۲: ۲۱۳) کوین لینچ^۳ شکل شهر را به صورت مظاهر جسمی و رؤیت‌پذیر شهر تعریف کرده است. (لینچ، ۱۳۹۷: ۲۰)

تصویر ذهنی از شهر (خوانایی): فضاهایی که در ذهن برای شهروندان ماندگار می‌شوند و در یاد آنها خواهند ماند اعم از خوانایی مسیر یا اماکن موجود و همچنین عواملی که باعث شوند این تصاویر در ذهن شهروندان به خاطر سپرده شوند در ایجاد یک تصویر ذهنی به شهروندان کمک خواهد کرد تا با ایمنی، امنیت، تنوع، نفوذپذیری، کالبد و کارکرد درست به سرزندگی و سرزنده نگه داشتن یک فضا منتهی شوند. (بازوندی و شهبازی، ۱۳۹۳: ۳۸-۳۷) دونالد اپلیارد^۴ نیز شناختی را که شهروند از شهرش دارد، «دانش شهری» می‌نامد که آن را در تکمیل مفهوم تصویر ذهنی لینچ مطرح نمود با این تفاوت که لینچ به دنبال شناسایی عناصر تشکیل‌دهنده تصویر ذهنی بود و اپلیارد به نحوه پیوند عناصر شهر در ذهن افراد پرداخت. (اپلیارد، ۱۹۷۶: ۸۶-۸۵)

فضاهای بی‌دفاع و ناامن شهری: رابرت پارک و ارنست برگس^۵ بر این باور بودند که منطقه انتقالی شهر به دلیل سطح بالای تحرک جمعیت، ناپایداری جمعیتی، مهاجرپذیر بودن، گمنامی افراد، خانه‌های مخروبه، ازدحام جمعیت و... بالاترین نرخ جرم و بزهکاری مشاهده می‌شود و منطقه ناامنی محسوب می‌گردد. هنری مک‌کی^۶ نیز معتقد

1. Maller

2. Cuthbert & Anderson

3. Kevin Lynch

4. Donald Appleyard

5. Robert E. Park & Ernest Burgess

6. Henry Mackay

بود که کژرفناری‌ها در این نقاط از شهر به این دلیل رخ می‌دهد که کنترل اجتماعی غیررسمی مانند افکار عمومی و نظارت همگانی آنقدر قوی نیست که از پیدایش و بروز نابهنجاری جلوگیری کند. (احمدی، ۱۳۹۸: ۸۴-۸۳) همچنین برخی روانشناسان اجتماعی مثل رابرت زومر^۱ معتقدند شرایط فیزیکی محیط سبب مناسب شدن آن برای ارتکاب جرم و خشونت می‌شود. (صالحی، ۱۳۸۷: ۱۱۲) دیوید چپمن^۲ نیز معتقد است خصوصیات کالبدی فضا، مستعد تأثیرگذاری بر رفتار هستند چرا که وضع و شکل فضا می‌تواند در ایجاد آسایش یا ناراحتی مؤثر باشد. (چپمن، ۱۳۸۶: ۱۷۹) جین جیکوبز^۳ نیز بر این باور است که برخی فضاهای شهری فرصت خشونت زیادی را فراهم می‌سازند. وی بر نقش ساکنین (چشم‌های در خیابان) و پهنه‌ای که آنها مراقبت می‌کنند تأکید می‌کند که تا اندازه‌ای ناشی از روح اجتماع آنان و تا اندازه‌ای نیز ناشی از طراحی ساختمان‌ها که یک عامل نظارتی است، می‌باشد. (جیکوبز، ۱۹۶۱: ۴۳) از نظر راجر ترانسیک^۴ فضاهای شهری بی‌استفاده که بدون حضور انسان رها شده‌اند، بستر مناسبی را برای بروز خشونت فراهم می‌کنند. (ترانسیک، ۱۹۶۸: ۱۱۸)

رویکردهای نظری

نظریه خوانایی شهر: کوین لینچ برای بررسی خوانایی شهر و پی بردن به چگونگی ادراک مردم از محیط فیزیکی شهر به مصاحبه با شهرنشینان در سه شهر مختلف پرداخت و در هر یک نقشه‌ای از مرکز شهر را به مردم نشان داد و از آنان خواست تا به زبان خود به توصیف این تصویر بپردازند که به باور لینچ تصویر ذهنی تعمیم‌یافته افراد از دنیای فیزیکی است. لینچ از مردم خواست تا تصویر شهر خود را بکشند و نشان دهند چه بخش‌هایی از شهر برای آنان واضح و چه بخش‌هایی مبهم هستند. (لینچ، ۱۹۸۴: ۶۶-۶۴) منظور لینچ از تصویر ذهنی (سیما)، همه برداشت‌ها، دانسته‌ها، باورها، حدس‌ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون خود دارد که ارزش‌ها، کیفیت‌ها، کارکردها و

¹ Robert Zumor

² David Chapman

³ Jacobs

⁴ RajerTrancik

اولویت‌های متفاوتی در ذهن وی پدید می‌آورد. (پاکزاد، ۱۳۹۴: ۱۶۸-۱۶۷) در واقع لینچ از دو روش استفاده نمود: مصاحبه عمیق و ترسیم شهر به وسیله مردم. (فکوهی، ۱۳۹۵: ۲۰۷) لینچ نتیجه گرفت که شهرها از لحاظ قابلیت ارائه تصویر ذهنی یکسان نیستند زیرا افرادی که نوعی شناخت و امنیت عاطفی نسبت به شهر خود دارند تصویر ذهنی کامل‌تری از شهر خود دارند و همچنین یک محیط شهری کامل و جامع سبب می‌شود که تجربه افراد کامل‌تر و عمیق‌تر گردد. (لینچ، ۱۳۹۷: ۱۶)

نظریه فضاهای قابل دفاع: اسکار نیومن^۱ در نظریه «فضاهای قابل دفاع» معتقد است فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آنها بیشتر باشد و در ضمن امکان کمی برای فرار فراهم آورند، پتانسیل کمتری برای فعالیت مجرمان دارند. (طاهری‌خورانی، ۱۳۸۸: ۱۹۶) به باور نیومن طراحی مناسب محیط سبب می‌شود مشخص شود هر فضا متعلق به چه کسی است (قلمروگرایی) در نتیجه غریبه‌ها از ساکنین محله متمایز می‌گردند و فرصت‌های جرم کاهش می‌یابد. (جیسون و ویلسون، ۱۳۸۷: ۲۷) همچنین با اعمال نظارت مانند ایجاد روشنایی‌ها (اخوان و صالحی، ۱۳۸۹: ۶۶) می‌توان توان جرم‌خیزی و ارتکاب جرم را کنترل کرد. یعنی می‌توان از نظارت‌های عمومی بر معابر و مسیرهای دسترسی به اماکن و فضاهای شهری بهره گرفت. (محمودی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۷۴)

نظریه پنجره‌های شکسته: جیمز ویلسون و جرج کلنیک نظریه «پنجره‌های شکسته» را ارائه نمودند و معتقدند پیوند مستقیمی میان ظاهر آشفته و بی‌نظمی خیابان‌ها و ساختمان‌ها و میزان وقوع جرم وجود دارد. اگر حتی یک پنجره شکسته در یک محله بدون تعمیر بماند می‌تواند نشانه و پیامی برای مجرمان بالقوه باشد که پلیس و اهل محل توجهی به اوضاع محله ندارند. پنجره‌های شکسته می‌توانند با نشانه‌های دیگری از آشفتگی و بی‌نظمی همراه باشد؛ مانند دیوارهای کثیف، خرابی، ماشین‌های اوراق، زباله و... که چنین منطقه‌ای فرآیند تدریجی انحطاط و زوال را آغاز می‌کند. (ویلسون و کلنیک، ۱۳۸۲: ۸۲)

نظریه پیشگیری از جرم: ری جفری در نظریه «پیشگیری از جرم از طریق طراحی

^۱. Oscar Newman

محیطی)^۱ بر رابطه میان انسان و محیط متمرکز شد تا بتواند راهی برای فائق آمدن بر جرایم از خلال محیط پیرامون بیابد. (احمدآبادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۵۸) رونالد کلارک^۲ نیز برای پیشگیری وضعی از جرم^۳، ماتریسی ۱۶گانه از کاهش فرصت‌های جرم در محیط مبتنی بر سه اصل را بیان نمود که عبارتند از: افزایش زحمت، کاهش پاداش و افزایش ریسک. (کلارک، ۱۹۹۶: ۱۲۱)

روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق کیفی و شیوه تحلیل تماتیک یا تحلیل مضمون استفاده شده است تا مفاهیم ذهنی زنان، در رابطه با فضاهای ناامن شهری، کشف و دسته‌بندی گردد. در روش تحلیل تماتیک که یک تحلیل تفسیری است، مصاحبه‌گر به دنبال تحلیل داده‌های مصاحبه‌های بدون ساختار به عنوان ابزاری برای بررسی عمیق دیدگاه مصاحبه‌شوندگان است. (چارماز^۴، ۲۰۰۲: ۶۸۸) در این شیوه در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مفاهیم و مقولات از مصاحبه‌های انجام گرفته استخراج گشته و در قالب دسته‌بندی مقولات و مفاهیم ارائه می‌گردند. (استراوس و کربین، ۱۳۹۸: ۲۶) به طور کلی فرایند گردآوری و تفسیر داده‌های تحقیق در این روش به صورت همزمان انجام و پس از تکمیل مصاحبه‌ها و تبدیل آنها به متن، مصاحبه‌ها چندین بار خوانده شده؛ و کدگذاری شده‌اند. مهم‌ترین هدف کدگذاری، خرد کردن و فهم متن و پیوند اجزای به دست آمده با یکدیگر و تدوین مقوله‌ها و منظم کردنشان است. (فلیک، ۱۳۹۹: ۳۳۵) بر همین اساس در تحقیق حاضر متن پیاده‌شده هر مصاحبه پس از حذف بخش‌های غیرمرتبط با موضوع تحقیق، در مرحله کدگذاری باز به جملات خرد شده و کدهای خام اولیه تولید شده‌اند که در مجموع ۷۹۶ کد اولیه به دست آمده است. بدین صورت که به هر جمله یک یا چند کد اختصاص داده شده است به گونه‌ای

¹ Crime Prevention Through Environmental Design

² Clarke

³ Situational Crime Prevention

⁴ Charmaz

که مفهوم جمله موردنظر را پوشش دهد. سپس از کدهای اولیه، مجموعاً ۳۳۸ کد ثانویه تولید شده به گونه‌ای که چندین کد اولیه که شباهت داشته‌اند تحت یک عنوان واحد قرار گرفته‌اند. پس از آن کدهای ثانویه‌ای نیز که با هم مرتبط بوده‌اند در قالب کدهای مفهومی (مفاهیم) درآمده‌اند که جمعاً ۹۹ کد بوده‌اند. سپس در آخرین بخش از کدگذاری باز، از کنار هم قرار دادن چندین مفهوم مرتبط، مقولات ایجاد شده‌اند که در کل شامل ۱۷ مقوله بوده‌اند که در مرحله کدگذاری محوری، از دسته‌بندی چند مقوله مرتبط که حول یک محور قرار داشتند، طبقات اصلی (مضامین) شکل گرفته‌اند که دو طبقه (فضای ناامن کالبدی و فضای ناامن اجتماعی) بوده‌اند. در نهایت در مرحله کدگذاری انتخابی با گزینش مقولات و مشخص نمودن ارتباط آنها با طبقات اصلی، یک شبکه مضامین ترسیم شده‌است. هر بار با انجام مصاحبه‌های بعدی مراحل فوق تکرار تا به مرور همه مفاهیم، مقولات و طبقات تکمیل و سنخ‌بندی شده‌اند.

جامعه مورد مطالعه پژوهش حاضر زنان ۱۵ تا ۴۵ سال شهر جاسک بوده‌اند. به دلیل استراتژی پژوهش، نمونه‌های مورد مطالعه به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند؛ به عبارت دیگر زنانی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که تجربه حضور در اکثر فضاهای عمومی شهر جاسک را داشته و می‌توانستند در مورد تجربه خود از امنیت یا ناامنی در آن فضاها بیان نمایند. در فرآیند انتخاب نمونه سعی شده‌است ترکیبی از زنان مجرد و متأهل، دارای تحصیلات و فاقد تحصیلات، خانه‌دار و شاغل، مهاجر و بومی و همچنین گروه‌های قومی و مذهبی مختلف که ساکن در این شهر هستند، برگرفته شود تا بتوان به بیشترین مفاهیم ذهنی در رابطه با موضوع دست یافت. فرآیند انتخاب نمونه و تحلیل داده‌ها تا زمانی ادامه یافته است که به اصطلاح به اشباع نظری رسیده‌ایم یعنی دیگر داده جدیدی از تحلیل مصاحبه‌ها حاصل نشده است. بنابراین حجم نمونه در طول تحقیق مشخص شد و در کل ۲۲ مصاحبه انجام شده است که از مصاحبه شانزدهم شاهد داده‌های تکراری بودیم. روش گردآوری داده‌ها در این تحقیق شامل سه تکنیک بوده است که از سه ابزار متفاوت استفاده شده است:

(۱) مصاحبه‌های عمیق؛ که پس از پیاده‌سازی بصورت متن، کدگذاری و تحلیل

شده‌اند.

۲) تصاویر نقشه خیابان‌ها و محلات شهر؛ که در اختیار نمونه‌های مورد مطالعه قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا محل‌هایی از شهر را که از نظر آنها امن و ناامن هستند مشخص کنند و معانی ذهنی خود را درباره آن مناطق بیان کنند که چرا آن محل‌ها را امن و یا ناامن می‌دانند و در نهایت به شیوه کویین لینچ تحلیل گشتند تا تصاویر ذهنی زنان از امنیت شهر مشخص گردد.

۳) مشاهده مشارکتی؛ به گونه‌ای که محقق نیز خود ابزار تحقیق بوده و به مشاهده مکان‌هایی پرداخته است که از نظر مصاحبه‌شوندگان ناامن بودند تا ویژگی‌های مشخصه هر محل را دریابد.

به منظور اعتباریابی در تحقیق حاضر از نظر اساتید و صاحب‌نظران و همچنین افراد مورد مطالعه استفاده شده است، بدین صورت که نتایج نهایی حاصل از تحقیق به نمونه‌های مورد مطالعه بازگردانده شد و پس از تأیید توسط آنها چنین نتیجه گرفته شد که تحقیق از اعتبار مطلوب برخوردار است، این شیوه اعتباریابی به «اعتبار عضو» موسوم است که نیومن^۱ آن را مطرح نمود. (ایمان، ۱۳۹۰: ۷۶) همچنین در تحقیق حاضر به منظور رعایت اخلاق پژوهشی و اعتمادسازی مصاحبه‌شوندگان از تکنیک‌هایی همچون عدم ثبت اطلاعات هویتی پاسخگویان، از بین بردن اطلاعات و مصاحبه‌های ضبط شده پس از پایان پژوهش و... استفاده شده است. (والی‌من، ۱۳۸۷: ۱۶۰) در جدول (۱)، توصیفی از افراد مورد مطالعه بر حسب وضعیت تأهل، تحصیلات و اشتغال آمده است.

جدول (۱): توصیف مصاحبه‌شوندگان

متغیر	ابعاد	فراوانی
تأهل	مجرد	۱۱
	متأهل	۱۱
تحصیلات	دیپلم و زیردیپلم	۱۳
	بالای دیپلم	۹

^۱ Neuman

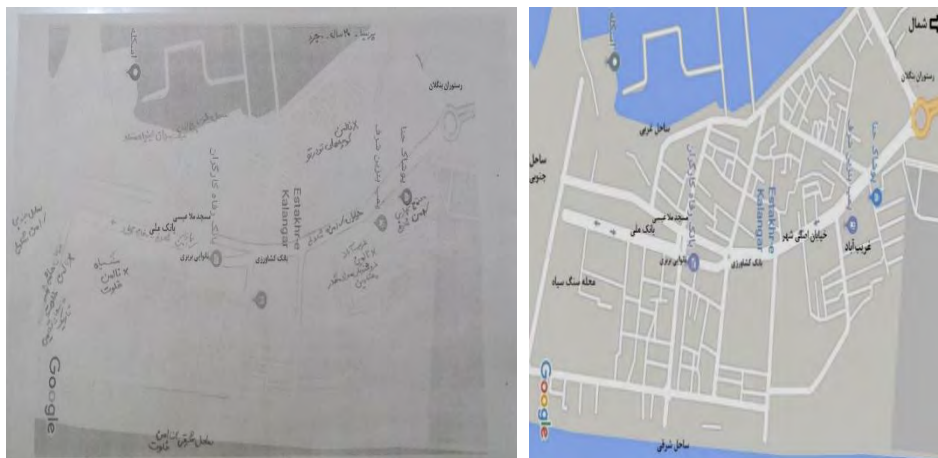
۵	شاغل	اشتغال
۱۱	خانه‌دار	
۶	بیکار	
۲۲	جمع کل مصاحبه‌شوندگان	

در شکل‌های (۱) و (۲) نقشه جغرافیایی مناطق شمالی و جنوبی شهر جاسک مشاهده می‌شود که از سایت گوگل‌مپ^۱ بر اساس آخرین داده‌های ماهواره‌ای دانلود شده است و در اختیار پاسخگویان به منظور مشخص نمودن فضاهای امن و ناامن شهری، قرار گرفته است که نمونه تکمیل شده توسط یکی از پاسخگویان نیز به همراه نسخه اصلی مشاهده می‌گردد.



شکل ۱: نقشه بخش شمالی شهر

¹ <https://www.google.com/maps>



شکل ۲: نقشه بخش جنوبی شهر

یافته‌های تحقیق

فضای ناامن شهری

در نتیجه تحلیل مصاحبه‌ها و داده‌های تصویری و همچنین مشاهدات میدانی محقق مشخص شد که فضاهای ناامن از دیدگاه زنانه فضاهایی هستند که زنان از این که به تنهایی و یا در ساعات خاصی از شبانه‌روز در آن فضاها حضور داشته باشند هراس دارند. نمونه‌های مورد مطالعه با بیان ویژگی‌های خاصی برای این مکان‌ها، آنها را به عنوان فضاهای ناامن شهری معرفی نمودند که در نتیجه تحلیل مفاهیم موجود در مصاحبه‌های آنها و همچنین مشاهده فضاهایی که مصاحبه‌شوندگان به عنوان فضاهای ناامن بر روی نقشه شهر علامت می‌زدند، این نتیجه به دست آمد که فضاهای ناامن شهری به دو گروه فضای ناامن اجتماعی و فضای ناامن کالبدی تقسیم می‌گردند. در فضای ناامن اجتماعی، تعاملات اجتماعی به گونه‌ای است که زنان در آن فضاها احساس امنیت ندارند و در فضای ناامن کالبدی، ویژگی‌های محیطی و فیزیکی فضا، نبود حس امنیت برای زنان را رقم زده است.

الف) فضای ناامن اجتماعی

۱) **فضای خلوت (نظارت اجتماعی ضعیف):** فضایی که تعاملات اجتماعی بسیاری کمی در آنجا صورت می‌گیرد. با توجه به این موضوع که حضور افراد بسیار در یک مکان، نوعی نظارت اجتماعی برای پیشگیری از وقوع جرم را به وجود می‌آورد، زنان مکان‌های شلوغی از شهر را مانند خیابان‌های اصلی، مراکز تجاری خرید (پاساژها)، بازار، ساحل جنوبی - که در طول شب و روز افراد زیادی در آنجا هستند - امن می‌دانستند و برعکس محل‌های خلوتی همچون خیابان‌های اطراف شهر، ساحل شرقی، محله سنگ‌سیاه، خیابان خروجی شهر، محدوده اطراف دانشگاه پیام‌نور - که حوالی آن هیچ گونه ساختمانی ندارد - را ناامن می‌دانستند. برای مثال پریسا، ۲۰ ساله و مجرد، می‌گوید: «خیابونای حاشیه شهر که به سمت ساحل میره خیلی ترسناکه، هیچ آدم پیاده‌ای اونجا رفت و آمد نمیکنه» و یا مریم ۳۸ ساله و متأهل، می‌گوید: «توی بازار تنهایی میرم چون شلوغه، کسی جرأت نمیکنه بخواد مزاحمتی برای یه خانم ایجاد کنه، آدم حس می‌کنه بقیه مراقبش هستن.»

۲) **فضای جرم‌خیز (نظارت امنیتی ضعیف):** به فضایی اشاره دارد که نظارت امنیتی پلیس در آن مناطق وجود ندارد. مهری ۴۵ ساله و شاغل معتقد است: «من بخاطر کارم هرروز از محله یکبنی میام داخل شهر ولی توی مسیرم پلیس نیست فقط یه پلیس راه، اگه کسی بخواد مزاحم بشه من چکار کنم؟»

۳) **فضای بزه‌کارانه (قانون‌مندی ضعیف):** مناطقی که محل رفت و آمد بزه‌کاران و افراد قانون‌شکن هستند به عبارت دیگر می‌توان از آن با مفهوم «پاتوق هنجارشکنان» یا «فضای بزه‌کارانه» نام برد. فرشته ۲۱ ساله و متأهل می‌گوید: «توی روز هم جرأت نمیکنم برم غریب‌آباد، هرچی موادفروش و معتاد اونجا جمعن» و نسترن ۲۴ ساله و مجرد می‌گوید: «تو محله غریب‌آباد از بس که معتاد و مشروب‌خور و خلافکار اونجاست هیچ وقت پامو اونجا نمیزارم خیلی وحشتناکه.»

۴) **فضای بیگانه اجتماعی (قومی، زبانی، مذهبی):** این مفهوم که نسبت به

مطالعات پیشین در رابطه با بحث امنیت زنان، مفهوم جدیدی به شمار می‌رود، اشاره به مناطقی دارد که از نظر زنان، ساکنان آن مناطق دارای قومیت، زبان و یا مذهب دیگری هستند و زنان تنها به واسطه این موضوع در آن مناطق احساس امنیت ندارند. برای مثال اکرم ۲۸ ساله و متأهل در این باره می‌گوید: «من مسکن مهر اصلاً نمی‌رم چون آدمای غریبه اونجان آدمایی که از شهرهای دیگه اومدن و زبونشون و مذهبشون با ما فرق داره حس میکنم اونجا اصلاً امن نیست اما محله لوران همیشه تنهایی میرم چون بیشتر فامیلامون اونجان». نکته حائز اهمیت این مفهوم این است که در شهر جاسک که به واسطه موقعیت خاصش افراد غیربومی زیادی در آن ساکن هستند، زنان هر دو گروه - بومی و غیربومی -، اکثراً از رفتن به منطقه گروه دیگر امتناع می‌ورزند زیرا بنابر گفته‌هایشان در آنجا احساس امنیت ندارند. زیبا ۱۹ ساله و مجرد می‌گوید: «نمیگم امنیت نداره فقط میترسم تنهایی برم اونجا، چون نمیشناسمشون و زبونشون رو نمیفهمم».

(۵) **فضای مردانه:** فضایی که غالباً مردان در آنجا حضور دارند. ممکن است این حضور غالباً مردانه به واسطه کاربری خاصی باشد و یا زنان در آنجا حضور نیابند. در این مکان‌ها زنان به دلیل جنسیت زنانه‌شان احساس امنیت ندارند. شیوا ۲۵ ساله و مجرد می‌گوید: «من هیچ وقت تنهایی سمت ساحلی که اسکله داره [ساحل غربی] نمی‌رم چون اونجا فقط مردا هستن، مردایی که قایق دارن و ماهیگیری میکنن هیچ زنی اونجا نیست آدم تنهایی جرأت نمیکنه بره» و نسرین ۳۲ ساله و متأهل می‌گوید: «بعضی وقتا دوست دارم برم سمت اسکله پیاده‌روی کنم ولی چون اونجا زنهای دیگه نیستن و فقط مردا اونجان میترسم».

(۶) **فضای غالباً موتورسوار:** این مفهوم نیز که نسبت به تحقیقات پیشین مفهوم جدیدی است، به فضایی اشاره دارد که اکثر افراد با موتورسیکلت در آن تردد می‌کنند. طبق نظر مصاحبه‌شوندگان، زنان از افراد موتورسوار هراس بیشتری نسبت به افراد خودروسوار دارند چرا که معتقدند موتورسواران راحت‌تر از خودرو سواران می‌توانند برای زنان مزاحمت ایجاد کنند و یا اقدام به سرقت کیف و یا گوشی همراه آنان نمایند. نکته حائز اهمیت در

رابطه با قلمرو مکانی تحقیق این است که در شهر جاسک به واسطه اقلیم آب‌وهوایی تعداد موتورسواران بسیار زیاد است و همین موضوع سبب ایجاد حس ناامنی در زنان در مکان‌هایی می‌شود که افراد آنجا غالباً موتورسوار هستند. در این رابطه الهام ۲۷ ساله و متأهل معتقد است: «اینجا موتوری خیلی زیاده من واقعاً میترسم مخصوصاً وقتی دارم با گوشی حرف می‌زنم حس میکنم الان یه موتوری میاد گوشیمو میدزده» و نازنین ۱۹ ساله و مجرد می‌گوید: «من دانشجوی دانشگاه پیام‌نورم بعضی وقتا که با دوستانم می‌خوایم از کنار خیابون تا مرکز شهر پیاده بیایم خیلی میترسیم از موتورها.»

۷) فضای ناامن برساخته اجتماعی: این مفهوم جدید اشاره به مناطقی دارد که در ذهن زنان به صورت ناامن «نهادینه» شده‌اند و به عبارت دیگر صفت ناامنی این مناطق یک صفت برساخته اجتماعی است یعنی ممکن است زنان تا به حال هیچ تجربه مزاحمت و یا آزار و اذیتی از آنجا نداشته باشند اما به دلیل تکرار زیاد این صفت از سوی دیگران، در ذهن زنان به مثابه یک منطقه ناامن، درونی شده است. فرحناز ۳۴ ساله و متأهل می‌گوید: «من خودم تا حالا غریب‌آباد نرفتم ولی از بس بقیه میگن اونجا امنیت نداره و هی میگن خلافکارا اونجان و... از اونجا میترسم.»

ب) فضای ناامن کالبدی

۱) فضای تودرتو (خوانایی ضعیف): فضایی که بسیار پر پیچ و خم است و زنان نمی‌توانند تصویر ذهنی واضحی از آنجا داشته باشند. مینا ۳۹ ساله و متأهل می‌گوید: «من توی مجتمع تجاری حس خوبی ندارم چون راهروهای اونو نمیتونم از هم تشخیص بدم فکر میکنم انقدر پیچ پیچیه که اگه کسی برات مزاحمت ایجاد کنه کنار مغازه‌هایی که هنوز خالی هستن، کسی متوجه نمیشه که بخواد کمکت کنه» و همچنین شیدا ۱۷ ساله و مجرد معتقد است: «به نظر من کوچه‌های سمت اسکله [ساحل غربی] خیلی ترسناکه چون خیلی پیچ در پیچه سر و تهش معلوم نیست آدم گم میشه توی اون کوچه‌ها.»

۲) فضای تاریک (روشنایی ضعیف): فضایی که فاقد روشنایی مناسب است. مصاحبه‌شوندگان به مکان‌هایی از شهر مانند بخش انتهایی ساحل جنوبی و خیابان‌های

منتهی به آن اشاره کردند و اظهار داشتند که از حضور در آنجا به علت تاریکی هراس دارند. منیره ۲۶ ساله و متأهل می‌گوید: «خیابونی که به سمت ساحل سنگی [ساحل جنوبی] میره خیلی ترسناکه نورش خیلی کمه.»

۳) **فضای کاربری مردانه:** این مفهوم نیز که مفهوم جدیدی نسبت به تحقیقات پیشین است؛ نشان‌دهنده فضاهایی است که کاربری غالباً مردانه دارند و کاربری‌های زنانه مانند آرایشگاه‌های زنانه، فروشگاه‌ها و بوتیک‌های دارای فروشنده زن، خیاطی زنانه و... در آن مناطق دیده نمی‌شوند؛ در نتیجه وجود کاربری‌های صرفاً مردانه نوعی حس ناامنی را در زنان القاء می‌نماید. زهره ۳۳ ساله و متأهل در این رابطه می‌گوید: «توی این شهر شغل زنونه‌ای نیست که به چشم بیاد فقط چندتا خانم مسن هستن که سبزی می‌فروشون به نظرم اگه چندتا مغازه زن داشته باشن، لابلای این مغازه‌های مردونه باشه آدم بیشتر حس امنیت داره.»

۴) **فضای تک‌کاربری (تنوع کاربری ضعیف):** فضایی که تنوع و اختلاط کاربری در آن بسیار کم است و در نتیجه تردد اقشار مختلف شهروندان در آن فضا کم بوده و سبب احساس ناامنی در زنان می‌گردد. منیژه ۲۳ ساله و مجرد در این رابطه می‌گوید: «یه خیابونی هست که اکثر مغازه‌هاش مکانیکی هستن یا ابزارفروشی، سعی میکنم زیاد از اونجا رد نشم چون حس میکنم فقط افراد خاصی میرن اونجا و امن نیست اما خیابون اصلی که همه جور مغازه‌ای توش هست مثلاً لباس‌فروشی، طلافروشی، یا ادارات دولتی و بانک‌ها هستن به نظرم امنیت داره چون آدمای مختلفی اونجا رفت و آمد میکنن.»

۵) **فضای حاشیه شهر (پرت):** فضایی که در حاشیه شهر قرار گرفته به گونه‌ای در انحصار اهالی همان مناطق در آمده است. برای مثال سیما ۱۸ ساله و مجرد در این رابطه معتقد است: «از اینکه تنهایی برم حاشیه شهر می‌ترسم چون اونجا فقط محل رفت و آمد مردم همون منطقه ست بیشتر موقع‌ها هم خلوت هستن چون مسیر عبور نیستن که بخوای از اونجا رد شی.»

۶) **فضای غالباً مسکونی (کاربری تجاری کم):** این مفهوم که مفهومی جدید

نسبت به تحقیقات پیشین هست و تا حدودی هم نظریات سابق را نقض می‌کند، نشان می‌دهد که زنان علی‌رغم آنچه که تصور می‌شود در مناطقی که غالباً مسکونی هستند احساس ناامنی دارند چرا که رفت و آمد زیادی در آن مناطق وجود ندارد و در ساعاتی از روز مانند ظهرها و اوایل شب، خلوت هستند و ساکنین در خانه‌هایشان هستند، در نتیجه زنان از حضور در این مناطق هراس دارند. شیرین ۲۹ سال و متأهل و شاغل در این رابطه می‌گوید: «من خیلی از مسکن مهر میترسم با اینکه خونم اونجاست وقتی از سر کار برمیگردم، تا وقتی میرسم خونه از ترس قلبم تندتند میزنه چون همش خونست و مغازه‌ای نداره، زیاد کسی بیرون نیست، مخصوصاً سر ظهر یا سر شب که هوا تاریک میشه، تازه آپارتمانی هم هست و آپارتمان‌ها از هم دورن اگه کسی مزاحم بشه، داد و بیداد هم که کنم تا کسی بشنوه و بیاد کمکم خیلی طول میکشه.»

۷) فضای فاقد دسترسی به حمل و نقل عمومی: این ویژگی که مختص قلمرو مکانی تحقیق می‌باشد عبارت است از دسترسی نداشتن به وسایل حمل و نقل عمومی همچون تاکسی و اتوبوس، زیرا شهر جاسک فاقد سیستم حمل و نقل عمومی است و تنها تعدادی از خودروهای شخصی اقدام به جابجایی شهروندان می‌کنند. اما در عین حال می‌توان این مفهوم را برای هر بخشی از فضای شهری که دسترسی به سیستم حمل و نقل عمومی ندارد به کار برد. این عدم دسترسی به حمل و نقل ایمن، موجب الزام و اجبار زنان به استفاده از خودروهای مسافربری شخصی می‌گردد که احساس ناامنی شدیدی را برای زنان به دنبال دارد. برای مثال نوشین ۳۱ ساله و متأهل می‌گوید: «نمیدونم چرا اینجا تاکسی یا اتوبوس نداره، من بعضی وقتا واقعاً کار واجبی بیرون از خونه دارم اما میترسم که سوار ماشینهای شخصی بشم.»

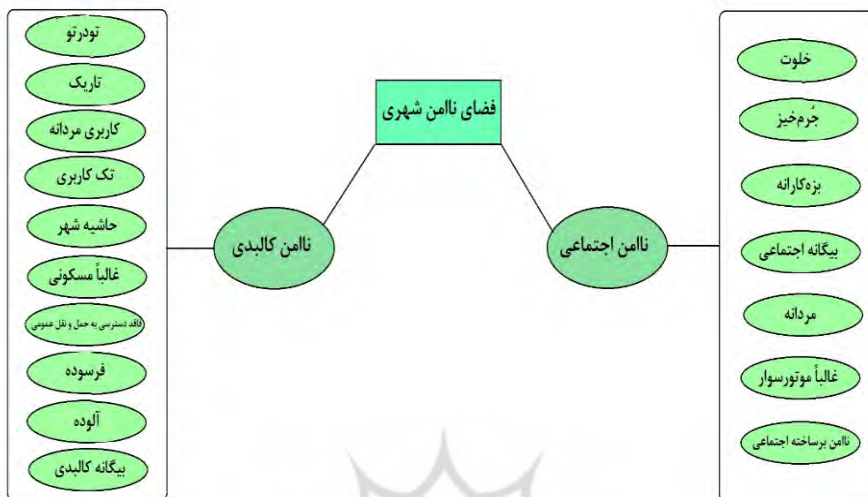
۸) فضای فرسوده: بخش‌هایی از بافت شهری که کیفیت‌های کالبدی و کارکردی آن‌ها کاهش یافته و مختل گردیده است، بافت فرسوده خوانده می‌شوند. (داودپور و نیک‌نیا، ۱۳۹۰) مفهوم فضای فرسوده اشاره به مناطقی از شهر دارد که دارای بافتی فرسوده و قدیمی هستند. اغلب مصاحبه‌شوندگان محله سنگ‌سیاه را محله‌ای دارای بافت

فرسوده دانسته و این موضوع را علت نداشتن حس امنیت در این منطقه قلمداد نمودند. برای مثال سهیلا ۲۳ ساله و مجرد می‌گوید: «طرفای سنگ‌سیاه خونه‌هاش خیلی قدیمیه وقتی میرم اونجا میترسم.»

۹) فضای آلوده: فضایی که بهداشت زیست‌محیطی در آن رعایت نشده است مانند فضاهای فاقد سطل زباله کافی و جمع شدن زباله‌ها بر روی هم و فضاهای دارای حیواناتی مانند سگ و گربه و موش و... فضای آلوده از نظر زنان همچنین شامل فضاهایی است با دیوارهای خط‌خطی شده، المان‌های محیطی شکسته ساختمان‌های نیمه‌کاره یا مخروبه، ماشین‌های اوراق و... که گاهی نشان از حضور افراد تخریب‌گر در آن منطقه دارد. برای مثال مه‌ری ۴۵ ساله و متأهل می‌گوید: «از محله یکبنی که به سمت مرکز شهر میام پر آشغاله، یا سگی چیزی سر راهمه خیلی میترسم» و همچنین یکتا ۲۲ ساله و مجرد معتقد است: «بعضی محل‌ها که میرم میبینم روی دیوارا با اسپری خط‌خطی کردن یا مثلاً سطل آشغالیا رو خراب کردن حس میکنم آدمهای خرابکار اونجا رفت و آمد دارن سعی میکنم زود از اونجا برم چون میترسم زیاد بمونم.»

۱۰) فضای بیگانه کالبدی: فضایی که زنان تا به حال به آنجا نرفته‌اند و آن را تجربه نکرده‌اند و تنها به همین دلیل از حضور در آن مکان هراس دارند. برای مثال نسترن ۲۴ ساله و مجرد می‌گوید: «من از محله لوران می‌ترسم نه به خاطر اینکه بگم قبلاً اونجا برای خودم یا کسی از آشناهام اتفاقی افتاده نه، یا کسی گفته باشه ناامنه، فقط چون تا حالا نرفتم میترسم که برم، برام ناآشناست.»

مدل مفهومی تحقیق



نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بدیهی است که بحث امنیت در فضاهای شهری از نگاه زنان با مردان به واسطه ویژگی‌های جسمی و روحی متفاوت، تفاوت شایانی دارد. در تحقیق حاضر با هدف شناسایی فضاهای ناامن شهری از دیدگاه زنان، ۲۲ نفر از زنان شهر جاسک از استان هرمزگان به صورت هدف‌مند برای یک مطالعه کیفی انتخاب شدند و سپس مصاحبه‌های آنها به روش تحلیل تماتیک و با استفاده از کدگذاری تحلیل شد. همچنین درکنار تحلیل مصاحبه‌ها از تکنیک مشاهده مشارکتی محقق و تحلیل داده‌های تصویری نگاشته شده بر نقشه شهر جاسک توسط زنان مورد مطالعه به شیوه کوبین لینچ استفاده شد. در نتیجه دو مقوله اصلی استخراج گشت که شامل فضای ناامن اجتماعی (۷ فضا: فضای خلوت، فضای جرم‌خیز، فضای بزه‌کارانه، فضای بیگانه اجتماعی، فضای مردانه، فضای غالباً موتورسوار و فضای ناامن برساخته اجتماعی) و فضای ناامن کالبدی (۱۰ فضا: تودرتو، فضای تاریک، فضای کاربری مردانه، فضای تک کاربری، فضای حاشیه شهر، فضای غالباً مسکونی، (ناله نرسومی به حمل و نقل عمومی)، فضای فرسوده، فضای آلوده، فضای بیگانه کالبدی) می‌باشد.

فضای غالباً مسکونی، فضای فاقد دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، فضای بیگانه کالبدی، فضای فرسوده و فضای آلوده) می‌باشند. در فضای ناامن اجتماعی، تعاملات اجتماعی به گونه‌ای است که زنان در آن فضاها احساس امنیت ندارند و در فضای ناامن کالبدی، ویژگی‌های محیطی و فیزیکی فضا، نبود حس امنیت برای زنان را رقم زده است. اما آنچه که اهمیت دارد و در تحقیق حاضر بدان دست یافتیم این بود که زنان اساساً حضور مردان بیگانه را -چه یک مرد مزاحم که با رفتار و حرکات و گفتار خود عمل مزاحمت را به مرحله اجرا در می‌آورد و یا مرد غیرمزاحم که هیچ‌گونه رفتار مزاحمت‌آمیزی از خود نشان نمی‌دهد- عامل ناامن دانستن یک فضای عمومی تلقی می‌کنند. همانطور که بیشتر مقولات به دست آمده حاوی این نکته چه به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم است از جمله: «فضای مردانه، فضای غالباً موتورسوار، فضای کاربری مردانه و فضای تک کاربری» که مستقیماً به حضور غالب مردان در فضای عمومی شهری دلالت دارد و «فضای خلوت، فضای جرم‌خیز، فضای بزهکارانه، فضای بیگانه اجتماعی، فضای ناامن برساخته اجتماعی، فضای تودرتو، فضای تاریک، فضای حاشیه شهر، فضای غالباً مسکونی، فضای فاقد دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، فضای بیگانه کالبدی، فضای فرسوده و فضای آلوده» که به صورت غیرمستقیم ترس زنان از برخورد با مردان بیگانه را در فضاهای عمومی نشان می‌دهد. بدیهی است که نمی‌توانیم بگوییم «برای آنکه زنان احساس امنیت را در فضاهای عمومی شهری تجربه کنند باید مردان را از اینگونه فضاها حذف نموده و حضور آنان را به صفر برسانیم». بنابراین باید هم نحوه طراحی فضاهای عمومی شهری به گونه‌ای باشد که ترکیب مناسبی از زنان و مردان را شامل شود، مانند اختلاط کاربری‌ها، و هم فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیری افراد از طریق خانواده، مدرسه، رسانه و... به گونه‌ای باشد که بتوانند بیشینه تعاملات اجتماعی سالم را جنس مخالف داشته باشند که هم مردان از رفتارهای آزاردهنده -که حتی ممکن است عمداً صورت نگرفته باشد- در فضاهای عمومی شهری پرهیز نمایند و هم زنان انگاره ذهنی ترس از مردان به عنوان یک موجود خطرناک و ضعف اعتماد به نفس به دلیل آسیب‌پذیر دیدن

جنسیت زنانه، را از خود دور سازند.

در مقایسه نتایج تحقیق حاضر با پژوهش‌های پیشین می‌توان گفت پژوهش بمانیان و همکاران (۱۳۸۸) اگرچه تأیید کننده مقوله «فضای خلوت» است اما تحقیق حاضر نشان داد که بر خلاف نتایج تحقیق مذکور، فضای غالباً مسکونی یک فضای امن از نظر زنان تلقی نمی‌گردد بلکه برعکس زنان در اینگونه فضاها احساس ناامنی می‌کنند. پژوهش گلی (۱۳۹۰) نیز مقولات «کاربری مردانه» و «تک‌کاربری» را به عنوان فضاهای ناامن تأیید می‌کند. پژوهش‌های نیازی و همکاران (۱۳۹۰) و رهبری (۱۳۹۱) نیز مؤید مقوله «بیگانه اجتماعی» هستند زیرا به این نتیجه رسیده است که متغیرهای سرمایه اجتماعی و حامی انسانی بر احساس امنیت زنان مؤثر هستند. پژوهش محمدی و مرادی‌پاوک (۱۳۹۲) نیز مؤید مقولات «بزه‌کارانه» و «جرم‌خیز» است زیرا به این نتیجه دست یافته است که حضور پلیس مهم‌ترین عامل در ایجاد احساس امنیت در زنان است. نتایج پژوهش‌های تازیکی (۱۳۹۳)، موسوی و خادمی (۱۳۹۴) و گلی و همکاران (۱۳۹۴) بر تأثیر ویژگی‌های کالبدی محیط بر احساس امنیت زنان تأکید دارند که تأیید کننده مقولات «تودرتو»، «تاریک»، «آلوده»، «فرسوده» و «فاقد دسترسی به حمل و نقل عمومی» هستند. پژوهش صادقی و همکاران (۱۳۹۵) نیز که بر شاخص «آشنایی با محیط» به عنوان مهم‌ترین عامل مؤثر بر میزان امنیت زنان در فضاهای شهری تأکید می‌کند، مؤید مقوله «بیگانه کالبدی» است زیرا زنان مصاحبه‌شونده بیان نمودند از حضور در مکانی که تاکنون تجربه رفتن به آنجا را نداشته‌اند هراس دارند و آن را به گونه‌ای ناامن تلقی می‌کنند. در میان پژوهش‌های خارجی نیز پژوهش‌های برندا و همکاران (۱۹۹۷) و فوآ و یئه (۱۹۹۸) تأییدکننده مقوله «جرم‌خیز» هستند به این نتیجه رسیدند که زنان در مکان‌هایی که مستعد جرم هستند احساس ناامنی بیشتری دارند. پژوهش باندرز (۲۰۰۴) نیز مؤید مقوله «فضای مردانه» است زیرا بر ترس زنان از حضور در دنیای مردانه و پدرسالارانه تأکید دارد. مارتین (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود بر ساخت اجتماعی ناامنی تدکید می‌کند که مؤید مقوله «ناامن برساخته اجتماعی» است. پژوهش‌های دیاس و همکاران (۲۰۰۷) و اسریترن و همکاران (۲۰۱۴) و (۲۰۱۵) نیز بر عوامل کالبدی برهم‌زننده احساس امنیت افراد در

فضاهای شهری تأکید می‌کنند. از میان رویکردهای نظری نیز نظریه «خوانایی شهر» لینچ و همچنین روش او برای تحلیل تصویر ذهنی شهروندان از شهر، برای بررسی درک زنان از فضاهای ناامن شهری استفاده شد بدین صورت که نقشه خیابان‌ها و مکان‌های شهر در اختیار مصاحبه‌شوندگان مکان‌های ناامن را بر روی آن علامت بزنند و با توصیف آن مکان‌ها بگویند به چه دلیل آن فضاها را ناامن می‌دانند سپس محقق با حضور در آن مکان‌ها به مشاهده میدانی فضاهای مذکور پرداخته است. در نهایت به این نتیجه دست یافتیم که همانطور که لینچ تصویر ذهنی روشتر را عامل شناخت و امنیت عاطفی شهروندان می‌داند، زنان نیز در محیط‌هایی که از نظر کالبدی برای آنها آشنا نیستند و به عبارت دیگر «بیگانه کالبدی» هستند و یا فضاهای «تودرتو» که خوانایی آنها مشکل است، احساس امنیت ندارند. نظریات «فضاهای قابل دفاع» نیومن، «پنجره‌های شکسته ویلسون و کلنیک» و نظریه «پیشگیری از جرم» جفری نیز مؤید مقولات «فضای تاریک»، «خلوت»، «جرم‌خیز»، «بزه‌کارانه»، «فرسوده» و «آلوده» هستند زیرا طراحی فضا و تعریف قلمرو را بر تمایز میان ساکنین محلات و غریبه‌ها مؤثر دانسته و فضای قابل دفاع را فضایی می‌داند که نظارت اجتماعی در آن امکان‌پذیر باشد. اما آنچه در این تحقیق و در رابطه با منطقه مورد مطالعه یعنی شهر بندرجاسک حائز اهمیت است، مقولات «فضای غالباً موتورسوار» و «فضای فاقد دسترسی به حمل‌ونقل عمومی» هستند زیرا در شهر مذکور حضور موتورسواران به علت آب و هوای خاص منطقه و همچنین نبود سیستم حمل‌ونقل عمومی بارزتر است که زنان آن را عاملی برای ناامن دانستن فضای شهری تلقی می‌کردند. به طور کلی به دلیل وجود گروه‌های قومی و مذهبی گوناگون در جوار یکدیگر در شهر بندرجاسک فضاهای ناامن شهری تعریف خاصی از دیدگاه زنان ساکن در شهر دارد که مقولات «بیگانه اجتماعی» و «بیگانه کالبدی» نشان‌دهنده آن هستند.

در یک نتیجه‌گیری کلی می‌توان اظهار داشت که به منظور تشویق زنان برای حضور در فضاهای عمومی شهری نه تنها برقراری «امنیت» در این فضاها اهمیت دارد بلکه آنچه مهم‌تر است، ایجاد «احساس امنیت» در زنان می‌باشد چرا که صرفاً برقراری امنیت، موجب ایجاد احساس امنیت در زنان نمی‌گردد بلکه مستلزم توجه موازی به امنیت

اجتماعی و امنیت کالبدی است. بنابراین تحقیق حاضر نشان داد که جنسیت زنان عامل مؤثری است که سبب می‌شود آنها تصور متفاوتی از «امنیت» و «احساس امنیت» در فضاهای عمومی شهری داشته باشند زیرا به واسطه جنسیت‌شان، فارغ از وجود عوامل برقراری امنیت در فضاهای عمومی شهری، پیش‌داوری‌هایی در رابطه با ناامنی در اینگونه فضاها دارند، در حالی که نظریات مربوط به امنیت در فضاهای شهری به گونه‌ای عام مطرح شده‌اند و تحقیقات پیشین نیز عموماً به سنجش نگرش‌ها و رفتارهای زنان در فضاهای عمومی شهری پرداخته و بر اساس آن عوامل مؤثر بر امنیت زنان در اینگونه فضاها را نتیجه‌گیری نموده‌اند. در نتیجه تحقیق حاضر با تمرکز بر جنسیت و نگاه زنانه به موضوع احساس امنیت و تحلیل درک زنان از فضاهای ناامن شهری به گونه‌ای متمایز امنیت فضاهای عمومی شهری را بررسی نموده است. اکنون با توجه به نتایج حاصل از تحقیق، پیشنهادات ذیل به منظور ارتقای سطح احساس امنیت زنان در فضاهای شهری شهر بندرجاسک ارائه می‌گردد:

- ۱) در برنامه‌ریزی شهری به سیستم حمل‌ونقل عمومی و ایمن توجه گردد و امکان دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی برای شهروندان و به ویژه زنان این شهر فراهم گردد و یا حداقل آژانس‌های مسافربری مخصوص زنان که راننده‌های زن دارند دایر گردند تا زنان بتوانند در فضاهای عمومی به آنها دسترسی داشته باشند.
- ۲) در محل‌هایی از شهر که نور کافی ندارند مانند بخش‌هایی از ساحل غربی، سیستم روشنایی مناسب تعبیه گردد.
- ۳) در برنامه‌ریزی کاربری اراضی و اماکن به اختلاط کاربری‌ها توجه گردد و کاربری‌های عمومی مانند ادارات و سازمان‌ها که رفت‌وآمد به آنها زیاد است در خیابان‌های مختلف گنجانده شوند.
- ۴) در مناطقی از شهر که تنها شامل کاربری مسکونی هستند مانند منطقه مسکن مهر شهر بندرجاسک، کاربری‌های تجاری و... گنجانده شود.
- ۵) با افزایش تعداد باجه‌های پلیس و نیروی انتظامی امنیت همه مناطق شهر تأمین گردد.

۶) بستری برای افزایش اشتغال زنانه و ظهور کاربری‌های زنانه در سطح شهر فراهم گردد زیرا کاربری زنانه در شهر بندرجاسک همچون خیاطی، آرایشگری و... بسیار اندک هستند.

منابع

- احمدآبادی، زهره؛ صالحی، مریم؛ احمدآبادی، علی؛ (۱۳۸۷). رابطه مکان و جرم (مطالعه آسیب‌شناسی گیم‌نت‌های شهر تهران). *رفاه اجتماعی*. سال هفتم. شماره ۲۷. ۲۷۶-۲۵۳.
- احمدی، حبیب؛ (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: سمت.
- احمدی، یعقوب؛ اسمعیلی، عطاء؛ (۱۳۸۹). سنجش احساس امنیت زنان مبتنی بر عوامل چندبعدی و میان‌رشته‌ای در شهر مشهد. *جامعه‌شناسی کاربردی*. سال بیست‌ویکم. شماره ۲. ۱۹۰-۱۶۹.
- اخوان، آرمین؛ صالحی، اسماعیل؛ (۱۳۸۹). رویکرد جلوگیری از جرایم از طریق طراحی محیطی (CPTED) رویکردی مؤثر در کاهش جرم در محیط‌های شهری. *ماهنامه راه و ساختمان*. سال هشتم. شماره ۶۹.
- استراوس، آنسلم؛ کربین، جولیت؛ (۱۳۹۸). *مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)*. ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نی.
- ایمان، محمدتقی؛ (۱۳۹۰). *مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی*. قم: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- بازوندی، فرشاد؛ شهبازی، مهرداد؛ (۱۳۹۳). نقش سرزندگی در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و میزان بهره‌گیری از فضای شهری (مطالعه موردی: پیاده‌راه خیابان سپهسالار تهران). *پژوهش‌های منظر شهر*. سال اول. شماره ۱. ۴۳-۳۳.
- بمانیان، محمدرضا؛ رفیعیان، مجتبی؛ ضابطیان، الهام؛ (۱۳۸۸). سنجش عوامل مؤثر بر ارتقای امنیت زنان در محیط‌های شهری (مطالعه موردی: محدوده اطراف شهر تهران). *زن در توسعه و سیاست*. شماره ۲۶.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۳). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (از فضا تا مکان)*. جلد سوم. تهران:

- آرمانشهر.
- پاکزاد، جهانشاه؛ (۱۳۹۴). *سیر اندیشه‌ها در شهرسازی (از کمیت تا کیفیت)*. جلد دوم. تهران: آرمانشهر.
- پاکزاد، جهانشاه؛ (۱۳۹۷). *مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری*. تهران: شهیدی.
- تازیکی، طلعت؛ (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر افزایش احساس امنیت زنان در پارک‌های شهر (مطالعه موردی: زنان ۵۰-۱۵ سال شهر بجنورد). *دانش انتظامی خراسان شمالی*. سال اول، شماره ۱.
- تقوایی، علی‌اکبر؛ رفیعیان، مجتبی؛ رضوان، علی؛ (۱۳۹۰). تحلیل رابطه بین مؤلفه‌های کاربری زمین با کاهش جرایم و ناامنی شهری (مطالعه موردی: منطقه ۱۷ شهر تهران). *پژوهش‌های جغرافیایی*. شماره ۷۷. ۳۸-۱۹.
- جیسون، سوزان؛ ویلسون، پل.آر.؛ (۱۳۸۷). *طراحی محیطی جرم‌ستیز: پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی*. ترجمه: محسن کلانتری و ابوذر سلامی بیرامی. تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- چپمن، دیوید؛ (۱۳۸۶). *آفرینش محلات و مکان‌ها در محیط انسان‌ساخت*. ترجمه: شهرزاد فریادی و منوچهر طیبیان. تهران: دانشگاه تهران.
- حقیقت، محمود؛ میرابوالقاسمی بهابادی، سید محمود. (۱۳۹۶). امنیت و حقوق شهروندی زنان در فضاهای شهری با رویکرد CPTED، مورد خیابان و پیاده‌راه. *پژوهش‌های مکانی-فضایی*. سال اول. شماره ۲.
- داودپور، زهره؛ نیک‌نیا، ملیحه؛ (۱۳۹۰). بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری راهبردی به سوی دستیابی به ابعاد کالبدی توسعه پایدار شهری. *آمایش محیط*. شماره ۱۵.
- رحیمی، لیلا؛ پیربابایی، محمدتقی؛ (۱۳۹۲). نقش سازمان‌دهی فضایی و ادراکی خیابان در احساس امنیت عابرین (مطالعه موردی: شهر تبریز). *هویت شهر*. دوره هفتم. شماره ۱۶.
- رحیمی، لیلا؛ صبوری، صابر. (۱۳۹۷). امنیت زنان در فضاهای عمومی شهری و بررسی عوامل فیزیکی مؤثر بر آن (نمونه موردی: پارک ائل گلی تبریز). *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*. دوره پانزدهم. شماره ۴. ۷۷-۳۹.
- رضایی، مریم؛ (۱۳۹۱). *مطالعه جامعه‌شناختی احساس امنیت زنان در فضاهای عمومی*

(مطالعه موردی: خیابان پاسداران شهر سمنان). اولین همایش ملی علمی و پژوهشی زنان

و زندگی شهری.

- رهبری، لادن؛ (۱۳۹۱). احساس امنیت در فضاهای شهری و حق زنان به شهر (پژوهشی

اکتشافی در شرق تهران). اولین همایش علمی و پژوهشی زنان و زندگی شهری.

- زنجانی‌زاده اعزازی، هما؛ (۱۳۸۰). زنان و امنیت شهری. ادبیات و علوم انسانی. شماره ۴.

۳-۲۵

- شریعتی مزینانی، سعید؛ فروغ‌زاده، سیمین. (۱۳۹۶). فضاهای عمومی و امنیت زنان در شهر

مشهد. پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. دوره ششم. شماره ۴. ۷۱-۹۰.

- صادقی، نرگس؛ سبحان اردکانی، سهیل؛ ذاکر حقیقی، کیانوش؛ (۱۳۹۵). ارزیابی عوامل مؤثر بر

تأمین امنیت شهری به منظور افزایش حضور بانوان در فضاهای عمومی شهری (مطالعه

موردی پارک ساعی تهران). هویت شهر. دوره دهم. شماره ۳. ۶۵-۷۴.

- صالحی، اسماعیل؛ (۱۳۸۷). نقش آسایش محیطی فضاهای شهری در پیشگیری از ناهنجاری

رفتاری. محیط‌شناسی. شماره ۴۴. ۸۳-۹۴.

- طاهری‌خورانی، زهرا؛ (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت در بین

شهروندان اصفهانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی. دانشگاه اصفهان.

- فتحی، سروش؛ (۱۳۹۱). تحلیلی بر روابط اجتماعی در فضای شهری پایدار. مطالعات توسعه

اجتماعی ایران. سال چهارم. شماره ۴.

- فکوهی، ناصر؛ (۱۳۹۵). انسان‌شناسی شهری. تهران: نی.

- فلیک، اووه؛ (۱۳۹۹). درآمدی بر تحقیق کیفی. ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نی.

- قاضی‌نژاد، مریم؛ شاکری، فرشته؛ (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم و

رفتارهای غیرمدنی در میان زنان شهر تهران: با تأکید بر هویت جنسی و هویت مدنی. مسائل

اجتماعی ایران. دوره سوم. شماره ۲. ۱۸۲-۲۰۲.

- گلی، علی؛ (۱۳۹۰). زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک آزادی

شیراز). جامعه‌شناسی تاریخی. شماره ۲. ۱۶۵-۱۴۳.

- گلی، علی؛ زادولی، شاهرخ؛ زادولی، فاطمه؛ (۱۳۹۲). سنجش رضایتمندی از تفکیک جنسیتی

- فضاهای عمومی شهری از دیدگاه کابران (مطالعه موردی: پارک بانوان شمس تبریز). زن در توسعه و سیاست. شماره ۲.
- گلی، علی؛ قاسم‌زاده، بهنام؛ فتح‌بقالی، عاطفه؛ رمضان‌مقدم و اجاری، فاطمه؛ (۱۳۹۴). عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک ائل‌گلی تبریز). **مطالعات راهبردی زنان**. سال هجدهم. شماره ۶۹. ۱۳۶-۹۷.
- لینیچ، کوین؛ (۱۳۹۷). **سیمای شهر**. ترجمه: منوچهر مزینی. تهران: دانشگاه تهران.
- محمدی، جمال؛ مرادی‌پاوک، مریم؛ (۱۳۹۲). بررسی احساس امنیت زنان در مناطق شهری (مطالعه موردی: مناطق ۵ و ۱۳ شهر اصفهان). **مطالعات جامعه‌شناختی شهری**. شماره ۹.
- محمودی‌نژاد، هادی؛ (۱۳۸۶). جلوگیری از جرایم شهری از طریق طراحی محیطی: بازخوانی حفاظت محیطی. **شهرسازی و معماری سنتی**. شماره ۱۶. ۸۲-۷۳.
- موسوی، سیدیعقوب؛ خادمی، سمیه؛ (۱۳۹۴). ارزیابی عوامل مؤثر بر احساس امنیت زنان در فضاهای شهری (مطالعه موردی: شیراز). **کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی**. تهران: شرکت مدیران ایده‌پردازان پایتخت ایلیا.
- مهدی‌زاده، جواد؛ (۱۳۸۷). در جستجوی شهرهای انسانی‌تر. **جستارهای شهرسازی**. سال هفتم. شماره ۲۴ و ۲۵.
- نیازی، محسن؛ سهراب‌زاده، مهران؛ فرشادفر، یاسمن؛ (۱۳۹۰). عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر احساس امنیت زنان (مطالعه موردی: زنان ساکن در مناطق شمال و جنوب تهران). **مطالعات امنیت اجتماعی**.
- والی‌من، نیکولاس؛ (۱۳۸۷). **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**. ترجمه: محسن نیازی، فریدون بهادرانی و مصطفی صلابت. تهران: پندارپارس.
- ویلسون، جیمز؛ کلینک، جرج؛ (۱۳۸۲). **تئوری پنجره‌های شکسته**. ترجمه: محمد صدری توحید خانه. مجله حقوق قضایی دادگستری. شماره ۴۳.
- Appleyard, D., (1976). **Planning a Pluralistic City**. MIT Press.
- Bounds, M. (2004). **Urban Social Theory (City, Self and Society)**, New York: Oxford University Press, Social Science.
- Brenda, S., Yeoh, A., Yeow P.L. (1997). Where women fear to tread: Images of danger and the effects of fear of crime in Singapore. **Geo-Journal**. 43(3).

- Bugliarello, G. (2005). Urban security in the United States: An Overview. **Technology in Society**. 27(3).
- Charmaz, K. (2002). Qualitative Interviewing and Grounded Theory Analysis, in Handbook of **Interview Research, Context & Method**. London: Sage
- Clarke, R. V. (1996), **Situational Crime Prevention: successful case study**. Heston. New Brunswick: Transaction Publishers.
- Cuthbert, A.L.; Anderson, W.P. (2002). An Examination of Urban Form in Halifax Dartmouth: Alternative Approaches iv Data. **Canadian Journal of Urban Research**, 213 -237.
- Dias, L. et al. (2007). Urban security and spatial behavior, syntactic and perceptual analysis of the central area of Porto Alegre. **6th international Space Syntax Symposium**. Istanbul.
- Jacobs, J. (1961). **The Death and Life of Great American Cities**. New York: Vintage.
- Lynch, K. (1984). Reconsidering The image of The City. in L.R. Win and R.M. Hollister (eds). **Cities of the Mind**. New York: Plenum
- Maller, A. (1998): Emerging Urban Form Types in a City of American Middle West. **Journal of Urban Design**. 3(2), 137 -149.
- Martin; V. (2006). Women and safety. **Violence Against Women**. 34.
- Moran, J. (2005). **Reading the everyday**. London: Routledge.
- Phua. L.; Yeoh, B. (1998). Everyday negotiations: women's spaces and the public housing landscape in Singapore. **Australian Geographer**. 29(3).
- Sreetheran, M. et al. (2014). A socio-ecological exploration of fear of crime in urban green spaces ? A systematic review. **Urban Forestry & Urban Greening**. 13(1).
- Sreetheran, M. et al. (2015). Fear of crime in urban parks? What the resi-dents of Kuala Lumpur have to say?. **Urban Forestry & Urban Greening**. 14(3).
- Trancik, R. (1986). **Finding Lost Spaces. Theories of Urban Design**. New York: Van Nostrand Reinhold Company.